فوران دلارهای نفتی و تاثیر آن بر اقتصاد جهان

ستوده، سید محمد

مازاد فراوان حساب جاری کشورهای صادرکننده نفت ادامه خواهد یافت‏ فوران دلارهای نفتی‏ و تأثیر آن بر اقتصاد جهان

تهیه و تنظیم:سیّدمحمد ستوده‏ و به ویژه کشور چین را دلیل اصلی بروز کسری عظیم و چشمگیر حساب جاری ایالات متحده آمریکا می‏دانند. با وجود این،گروه کشورهایی که از بیشترین مازاد حساب جاری برخوردارند،دیگر در مجموعه‏ اقتصادهای نوظهور آسیا قرار ندارند،بلکه آنان متعلق به‏ گروه کشورهای صادرکننده نفت هستد.از آنجا که‏ بهای منبع اصلی درآمد آنان افزایش یافته است، اقتصادهای یاد شده از ثروت‏های بادآورده هنگفتی‏ بهره‏مند شده‏اند.از دیدگاه آمریکاییان،افزایش‏ قیمت‏های نفت می‏تواند علت نیمی از شکاف موجود در کسری حساب جاری آن کشور از سال 2003 تاکنون‏ را توضیح می‏دهد و این بیشتر از سهمی است که برای کشور چین محاسبه گردیده است.

در بخشی از آخرین گزارش صندوق بین المللی پول با عنوان:"چشم‏انداز اقتصادی جهان‏"1،که به تازگی منتشر شده،اثرات وفور دلارهای نفتی بر عدم توازن‏های‏ موجود در حساب جاری اقتصاد دنیا تشریح شده است. به واسطه قیمت‏های بالاتر و افزایش تولید نفت،درآمد کشورهای صادرکننده نفت(شامل:اعضای سازمان‏ اوپک،به اضافه روسیه،نروژ و چند کشور دیگر)در سال 2005 تقریبا به رقم 800 میلیارد دلار رسید.علاوه بر این،حتی با لحاظ نمودن میزان تورم،رقم یاد شده فراتر از دوران قبلی اوج درآمدهای نفتی در سال 1980 است. همچنین طی سه سال گذشته،حجم درآمدهای نفتی‏ واقعی تقریبا به میزان دو برابر آنچه که در سال‏های‏ 67.1973 و 81-1978 به دست آمد،افزایش یافته است. با این وجود،افزایش اخیر درآمدهای نفتی در مقایسه با شوک‏های قبلی افزایش قیمت‏های نفت،توانسته است‏ صرفا اندکی بیشتر از گذشته رشد تولید ناخالص داخلی‏ جهان را افزایش دهد.

مازاد حساب جاری کشورهای صادرکننده نفت در سال گذشته میلادی،تقریبا به رقم 400 میلیارد دلار بالغ‏ گشت که این رقم معادل چهار برابر مجموع شاخص‏ یاد شده در سال 2002 است.پیش‏بینی می‏شود مازاد حساب جاری کشورهای یاد شده در سال 2006 به رقم‏ 480 میلیارد دلار افزایش یابد.این در حالی است که‏ مجموع مازاد حساب جاری کشور چین و دیگر اقتصادهای نوظهور آسیا در سال گذشته میلادی تنها 240 میلیارد دلار گزارش شده است.همچنین در سال‏ گذشته میلادی،مازاد حساب جاری کشورهای‏ صادرکننده نفت نسبت به اندازه اقتصاد آن‏ها به طور متوسط 18 درصد تولید ناخالص داخلی را شامل گردیده‏ که این رقم دو برابر میزانی است که در سال 1980 ثبت‏

کشورهایی که از بیشترین‏ مازاد حساب جاری‏ برخوردارند،دیگر در مجموعه اقتصادهای‏ نوظهور آسیا قرار ندارند، بلکه متعلق به گروه‏ کشورهای صادرکننده‏ نفت هستند

شده است.همچنین بسیار بیشتر از مازاد 7 درصدی‏ حساب جاری چین نسبت به تولید ناخالص داخلی آن‏ کشور است.

دلارهای نفتی می‏تواند به دو طریق در اقتصاد کشورهای واردکننده نفت مورد بهره‏برداری قرار گیرد: 1.صادرکنندگان نفت می‏توانند کالاها و خدمات‏ بیشتری نسبت به گذشته وارد کنند؛

2.آن‏ها می‏توانند کسری حساب جاری آمریکا و دیگر کشورهای واردکننده نفت را تأمین مالی نمایند.

این مسأله که صادرکنندگان نفت،درآمدهای‏ غیر مترقبه خود را مصرف یا پس‏انداز می‏کنند؛مسیر و وضعیت عدم توازن اقتصاد جهان و همچنین کسری‏ عظیم حساب جاری آمریکا را معین خواهد کرد.

در پی افزایش شتابان قیمت‏های نفت،عدم توازن در حساب‏های جاری کمابیش به سرعت از سه طریق عمده‏ رو به تعدیل نهاد:

اولا قیمت‏های بالای نفت موجب گردید درآمدهای‏ واقعی و سود در کشورهای واردکننده کاهش یابد، مخارج داخلی تحت فشار قرار گیرد و در نتیجه واردات‏ نفت و سایر کالاها کاهش یابد؛

ثانیا،از آنجا که ترقی قیمت‏های نفت موجب افزایش‏ تورم می‏شود،در نتیجه بانک‏های مرکزی نرخ‏های بهره‏ را بالا می‏برند که این امر به نوبه خود باعث کاهش هر چه‏ بیشتر میزان تقاضای داخلی گشته،وضعیت کسری‏ خارجی‏2اقتصاد تا اندازه‏ای بهبود می‏یابد؛

و آخرین نکته اینکه کاهش نرخ‏های واقعی ارز به‏ کشورهای واردکننده نفت کمک می‏کند تا حساب جاری آن‏ها بار دیگر به سمت توازن متمایل‏ گردد.

عکس این حالت را می‏توان در کشورهای صادرکننده‏ نفت مشاهده کرد،زیرا به واسطه افزایش پایدار میزان‏ تقاضای داخلی و افزایش واردات،مازاد حساب جاری‏ آنان کاهش و همزمان نرخ واقعی ارز افزایش می‏یابد. نظر صندوق بین المللی پول،حاکی از آن است که شاید این‏بار اوضاع متفاوت باشد؛زیرا مازاد حساب جاری‏ کشورهای تولیدکننده نفت نسبت به گذشته از نظر زمانی‏ تداوم بیشتری یافته است.همچنین صادرکنندگان نفت‏ به نسبت شوک‏های نفتی قبلی،سهم کمتری از درآمدهای غیر مترقبه نفتی خود را صرف واردات کالاها و خدمات نموده‏اند.به این‏ترتیب که کشورهای یاد شده‏ از سال 2002 تاکنون،صرفا حدود نیمی از اضافه درآمد نفتی خود را مصرف کرده‏اند،در حالی که این میزان در دهه 1970،سه چهارم کل اضافه درآمدهای نفتی را دربر می‏گرفت.ثروت‏های غیر مترقبه نفتی در گذشته، نوعا اتلاف و هدر دادن مازاد بیش از حد بودجه(فوران‏ بودجه‏ای)3را موجب می‏گردید و در نتیجه زمانی که‏ قیمت‏های نفت مجددا سقوط می‏کرد،تأمین مالی‏ دولت با مشکلات عدیده‏ای مواجه می‏شد.اما این‏بار، علی‏رغم اینکه بازارهای معاملات آتی،انتظار دارند قیمت‏های نفت همچنان بالا باقی بماند،دولت‏ها نسبت‏ به گذشته روش محتطانه‏تری در پیش گرفته‏اند.

در این میان ایالات متحده آمریکا از لحاظ موازنه‏ حساب جاری خود منافع چندنی کسب نمی‏کند.

در این میان ایالات متحده آمریکا از لحاظ موازنه‏ حساب جاری خود منافع چندانی کسب نمی‏کند.

حتی با در نظر گرفتن واردات نفتی آمریکا از کشورهای‏ صادرکننده نفت،اکنون تنها 8 درصد از کل واردات نفت‏ آمریکا از سوی کشورهای عضو اوپک تأمین می‏گردد و این رقم در خصوص کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‏

افزایش اخیر درآمدهای‏ نفتی در مقایسه با شوک‏های‏ قبلی افزایش قیمت‏های‏ نفت،توانسته است صرفا اندکی بیشتر از گذشته رشد تولید ناخالص داخلی‏ جهان را افزایش دهد

32 درصد بالغ می‏شود.بنا بر این حتی اگر کشورهای‏ صادرکننده نفت تمامی درآمدهای اضافی نفتی خود را نیز مصرف کنند،کسری حساب جاری آمریکا می‏تواند به موازات بالا رفتن قیمت‏های نفت،افزایش یابد.این‏ رویداد تا اندازه‏ای روشن می‏کند که چرا در سال‏های‏ اخیر با وجود افزایش شدید کسری حساب جاری‏ آمریکا،موازنه تجاری اتحادیه اروپا با کشورهای‏ صادرکننده نفت تغییر چندانی نیافته است.

نفت گران،پول ارزان‏ دومین تفاوت عمده این دوره نسبت به شوک‏های قبلی‏ نفتی این است که اثرات تورمی روند کنونی به طور شگفت‏انگیزی ملایم بوده است.این امر به دلیل افزایش‏ اعتبار بانک‏های مرکزی و همچنین اعمال فشارهای‏ کاهنده بر قیمت‏ها در نتیجه وجود بازارهای رقابتی در چین و سایر نقاط جهان رخ داده است.با توجه به نکات‏ فوق،دیگر ضرورتی ندارد بانک‏های مرکزی،نرخ‏های‏ بهره کوتاه‏مدت خود را بسیار افزایش دهند،به این‏ ترتیب،میزان تقاضای داخلی.به ویژه در ایالات متحده‏ آمریکا.با روندی به مراتب قوی‏تر از گذشته افزایش‏ خواهد یافت و در عین حال،میزان کسری حساب جاری‏ کشورهای واردکننده نفت همچنان قابل توجه و چشمگیر باقی خواهد ماند.به عنوان سومین عامل در این ارتباط می‏توان به موضوع به تعویق افتادن تعدیل‏ عدم توازن‏های موجود در موازنه پرداخت‏ها اشاره کرد. زیرا اکنون کشورهای تولیدکننده نفت در حال‏ سرمایه‏گذاری بخش عظیمی از درآمدهای غیر مترقبه‏ نفتی خود در بازارهای بین المللی اوراق قرضه هستند. اما در دهه 1970 و اوائل دهه 1980،آنان مازاد درآمدهای‏ خود را عمدتا در بانک‏های آمریکا و اروپا سپرده‏گذاری‏ می‏کردند و سپس پول‏های یاد شده به عنوان وام در اختیار کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت قرار می‏گرفت(همین امر منجر به وقوع بحران بدهی‏ها در کشورهای آمریکای لاتین طی سال‏های 82-1981 گردید).اما این‏بار اکثر وجوه مذکور صرف خرید اوراق‏ قرضه و سهام و همچنین سرمایه‏گذاری در اموال و صندوق‏های تأمینی‏4گردیده است.

علاوه بر این،بسیاری از ثروت‏های فوق توسط واسطه‏گران مالی سر از بازارهای اوراق قرضه لندن و آمریکا در آورده و این مسأله باعث شده بازده اوراق‏ یاد شده کاهش یابد،بهای مسکن در آمریکا تقویت شود و در نتیجه هزینه‏های مصرفی در آمریکا افزایش یابد. بنا بر این،امور فوق موجب می‏گردد کسری خارجی‏ ایالات متحده آمریکا همچنان پایدار باقی بماند.صندوق‏ بین المللی پول تخمین زده است که کشورهای‏ صادرکننده نفت باعث گردیده‏اند بازده اوراق قرضه‏ آمریکا حدود 3/0 درصد کاهش یابد.

کسری حساب جاری آمریکا،حتی قبل از شروع‏ افزایش قیمت‏های نفت،چشمگیر بوده است.اما تحولات اخیر و افزایش روزافزون قیمت انرژی، وضعیت کسری مزبور را به مراتب نسبت به گذشته‏ وخیم‏تر کرده است.علاوه بر این،باید خطر تعدیل‏های‏ نامنظم و ناگهانی را نیز مد نظر قرار داد.اکنون عموما چنین استدلال می‏شود که به دلیل انجام معاملات نفتی‏ به دلار و افزایش قیمت‏های نفت،به طور خودکار تقاضا برای دلار افزایش می‏یابد.اما باید در نظر داشت که این‏ مسأله تأثیری موقتی خواهد داشت.تاکنون‏ صادرکنندگان نفت از اینکه توانسته‏اند دلارهای‏ نفتی‏شان را به خرید اوراق قرضه خزانه‏داری آمریکا اختصاص دهند خوشحال به نظر می‏رسند،اما تا چه‏ زمان می‏توان از این راهکار بهره گرفت؟زمانی که‏ دولت‏های حوزه خلیج فارس اعلام کردند ممکن است‏ تصمیم بگیرند دارایی‏های خارجی خود را متنوع کنند، نگرانی‏ها افزایش یافت،به ویژه از آن‏رو که سیاستمداران‏ آمریکایی شرکت DP World دوبی را مجبور کردند از فکر واگذاری اداره شش بندر آمریکایی به آن شرکت‏ صرفنظر نماید.اکنون استقراض‏کنندگان نمی‏توانند دقیقا بر اساس تمایلات اعتباردهندگان رفتار کنند.

پی‏نوشت‏ها:

(1)- World Economic Outlook

(2)- External Deficit

کسری خارجی،اصطلاحی است که برای کسری موازنه‏ پرداخت‏های یک کشور به کار برده می‏شود.

(3)- budgetary blow-out

(4)- hedge funds